

# سخنی با خوانندگان

## توضیحی پیرامون سیاست رهائی

در جواب به سئوالی که در مورد سیاست تشریه‌رهای آزموده شده است هر جا میسر بوده مطالبی را عنوان کرده‌ایم. معیضا تکرار پاره‌ای از سئوال‌ها را بر آن داشت که به‌ا هم آنها در همین تشریه بپردازیم تا برای عده بیشتری قابل استفاده باشد.

اولین شماره رهائی تئوریک در بحبوحه جنبش انقلابی ایران منتشر شد و انتشار آن تا شماره ۴ (فروردین ۱۳۵۸) ادامه یافت. هنگامیکه انتشار شماره ۵ تدارک دیده می‌شد، جد مسائل سیاسی و نحوه‌یابن واقعیت که در غالب تشریحات سیاسی جب سردرگمی عجیبی در مورد شناخت ماهیت رژیم مشاهده می‌شد باعث شد که مقدم بررهائی تئوریک که در فواصل طولانی منتشر می‌شد از تیرماه به انتشار هفته‌نامه رهائی بپردازیم. از همان آغاز بخشی از صفحات رهائی به تحلیل رویدادهای جاری و بخشی به مسائل درازمدت تئوریک و تئوریک اختصاص یافت. این خصوصیت تاکنون حفظ شده است با این ملاحظه که جدت و جفت رویدادها گاه ما را مجبور کرده است که صفحات بیشتر با کمتری را بیه بررسی مسائل جاری اختصاص دهیم. سیاست رهائی علی‌الاصول بر این پیوسته است که خلاه موجود در تحلیل‌های رایج در جب را بکنند. بنظر ما یکی از اساسی‌ترین کمبودهای جنبش جب در زمینه تحلیل مسائل طبقاتی از رویدادهای اجتماعی بسود است. این کمبود موجب نوسان‌های شدید در مثنی بسیاری از سازمانها و بطور کلی جنبش جب شده است و هنوز هم با کمسال تا سفا دامه دارد. نداشتن تحلیل و دید طبقاتی درست در گذشته موجب شد که بخشی از جب بدنیال سازمان چریک‌های قذافی- خلق در ورطه حمایت از " دولت ملی بازرگان " افتد و سپس با " کشف روابط جناح بازرگان با امریکا - که کوششی امری از نظر طبقاتی نامعلوم بود - به جا حمایت عملی از ارتجاعیون در

مقابل با اصطلاح لیبرال‌ها افتد. در جنبش شرایطی است که هر فرد با سازمان کمونیست خود را موظف می‌بیند که در حد توان خود در روشنگری بکوشد و نگذارد که بخش مهمی از نیروهای جب به بیراهه کفانده شوند. و این البته ضمن وقوف باین امر است که هیچکس و هیچ سازمانی طالب کمراه شدن خود نیست، و بنا بر این علیرغم سازمان پرستی رایج در میان عده کثیری از اعضاء و هواداران سازمان‌های مختلف، اذهان جویا و متفقد در تشخیص درست از نادرست با رخواهند ما شد. ما در طول ماه‌های اخیر بحدی شاهد تائیر گذاری تحلیل‌های درست و با لافش قدرت تشخیص بخش روز افزونی از جب بودیم که در صحت مثنی خود کوچکترین تردیدی نداریم. محنه عمل، چیزی را که زمانه‌ی جزء پیشینی‌های ما بود، اثبات کرده است و این دسوار و کوچکی نیست.

بجاست که بلافاصله مسئله دیگری که مورد سئوال بوده است بپردازیم و آن این است که بنظر عده‌ای از خوانندگان نشریه‌ها بی‌صورتی نیست که قبال استفاده برای توده مردم باشد. ما باین ایراد واقفیم و در حد ممکن کوشیده‌ایم که این مسئله را رعایت کنیم. منتها دونگنه را باید در نظر داشته باشیم و آن اینک که مخاطبین رهائی در درجه اول نیروها و عناصر سیاسی و جب هستند. چه خوب بود که میتوانستیم نشریحات توده‌ای نیز داشته باشیم ولی توان انجام هر دو را نداریم و در حال حاضر که این خطر وجود دارد که بخش مهمی از نیروهای جب به کجراه کشیده شود در انحراف توده موثرتر افتد و وظیفه خود میدانیم که در حد توان خود از این امر جلوگیری کنیم. این امر و اینکه پاره‌ای از مسائل تئوریک در صفحات محدود قابل بررسی نیستند بلکه باید در اجزاء خود بسط داده شوند و تعداد صفحات رهائی محالی برای این امر باقی نمیگذارد. موجب می‌شود که تشریحات پاره‌ای از مقالات بعد دلخواه ساده‌ناتد.

بنا بر این با اینکه بیش از گذشته کوشش در ساده نویسی خواهیم کرد معیضا تصور نمی‌کنیم که بتوانیم تغییر کیفی در آن بدهیم. کمبود مقالات و تحلیل‌های مربوط به جنبش کارگری یکی از نقصان‌های ظاهری رهائی است. اما از آنجا که ما معتقدیم مطالب مستقیما " و بطور خاص مربوط به جنبش کارگری با بد از طریق خود جنبش کارگری تنظیم شود ما ادای سهم خود را در این رابطه انجام داده‌ایم و بنا بر این فقدان آنها در هفته‌نامه رهائی نباید بمنزله کم توجهی ما بآن تلقی شود. متعکس نکردن بزرگداشت روزهای مهم تاریخ تابع سیاست خاصی بوده است. ما معمدا " در بزرگداشت سالگرد شخصیت‌های جنبش کمونیستی و کارگری مطالبی عنوان نکرده‌ایم چه معتقدیم که تا آنجا که سه میتوان با یاد از تا کید بر شخصیت‌ها - هر قدر هم ارزنده و بزرگ - خودداری کرد. این امر بویژه در جوامعی مانند ما معیضا که کیش شخصیت زمینه‌ساز و آوانی در آن دارد با بد از جانب کمونیست‌ها مورد توجه قرار گیرد. مارکس یا لنین و یا سایر کمونیست‌ها هر قدر هم برای ما عزیز باشند نباید بصورت انبیاء و اولیاء در آینه‌کده هر ساله در روز رحلت یا ولادتشان ما را به عزایا سادمانی بنشانند و موجب شعریه - خوانتی شوند. برای مذهب‌یونی که همه چیز را از بالا، از فوق به ذیل می‌بینند البته این سخن کفران نعمت است اما برای کمونیست‌ها بجای تحلیل از شخصیت، فراگیری از آموزش و به آنهم در روز ما هی خاص بلکه همواره و همه جا مطرح است. ما " تا سوعا و عا شورای کمونیستی " نداریم که در روزی خاص در عالم خلسه فرو برویم و بباد شخصی بزرگ چند قطره اشک بریزیم. چنین سنی در جنبش کمونیستی سازمانی که بخش مهمی از آن بوروکراتیک است وجود نداشته است و بنا بدیزبیرا آرفت. بوروکرات‌ها برای بسج " خلق " بد جنبش تیوذهای غیر کمونیستی متوسل می‌شوند

بجز مواردی معدود حتی از نظر لحن کلام نیز موجب رنجش نشده ایم . مطالب دیگری نیز از جانب پیاره ای از خوانندگان عنوان شده است که برای جلوگیری از اطاله کلام از بحث در مورد آنها میگذریم ، معذرت میمانان می‌دهیم که به آنها توجه خواهیم کرد . از این جمله اند کمبود نسبی تیراز رهائی عدم دقت کافی در تصحیح اغلاط ، نوع کاغذ و تنظیم صفحات و بطاثر آن . برخی از این ایرادات مربوط به کمبود امکانات است که امیدواریم با کمک دوستانان بخصوص در زمینه مالی رفع شود و بحثی مربوط است به کار سنگین انتشار هفته نامه برای سازمان کوچکی مانند ما ، امیدواریم این بخش نیز بهبود یابد . ●

# تروتسکیسم سقط دیالکتیک لنینی

## مقاله‌ای از سازمان وحدت کمونیستی منتشر میشود

### توضیح

مقاله‌ای به نام «تروتسکیسم و دیالکتیک لنینی» در شماره اخیر مجله «وحدت» منتشر شده است . این مقاله به بررسی تفکرات تروتسکیستی و مقایسه آن با تفکرات لنینی می‌پردازد .

انتقادات ما از یک زاویه و حمله از جناح از زاویه‌های دیگری است . اما حتی اگر وارد آوردن انتقادات اصولی موجب بهره‌برداری دشمن باشد نیز نباید از آن احتساب کرد زیرا تیهاراه تصحیح اشتباهات ، انتقاد و برخورد به آنهاست آیا بهتر است از ترس بهره‌برداری موفقی دشمن در اشتباه بمانیم و جنبش را بسه بر راه بکشیم و یا آنکه سوء استفاده موفقی دشمن را تحمل کنیم و در عوض راه خود را تصحیح بمانیم . برای اجتناب از اطاله کلام این رفتار را به ادبیات کلاسیک مارکسیستی احواله می‌دهیم تا بدانند که حتی در حدا درین شرایط نیز یک لحظه مایه درون جنبش کمونیستی را نباید تعطیل کرد . این امر بخصوص در شرایط کنونی جنبش که ایرادات همه سازمانها و منجمله ما میتوانند زیانهای غیر قابل جبرانی ببار آورد باید بسیار جدیت تمام دنبال شود .

برخورد ایدئولوژیکی بخشی از مبارزه طبقاتی است و هیچ نیروئی بیالوده از براهه‌های غیر پروولتری نیست . اگر جز این نبود در زمانی بود که راه رستگاری را جستجو می‌کردیم . توجه به بازتاب نقدها است که تا کنون سازمان ما بر نظریات سازمانهای دیگر ارائه کرده است ، نشان میدهد که اگر کارزاده کوئی نباشد ، علاوه بر افراد پاره‌ای از نیروهای مختلف سیاسی منوجه ایرادات اساسی در مواضع ایدئولوژیکی و سیاسی و نتایج منطقی ترهای نقد شده ، گردیده اند . توجه دادن باین مسائل بشرط آنکه توأم با احساس مسئولیت باشد و طبعه میرم همه کمونیستهاست . ما کوشیده ایم که در نقدها احساس مسئولیت کنیم و به همین جهت نیز برخورد قاطع و گاه تند می‌کنیم . این امر بهیچوجه مابینتی با داشتن روابط رفیقانه ندارد بلکه عین رفاقت است . ما با برخی از سازمانهای که مورد نقد ما بوده اند آواضع خواهد شد و روابط رفیقانه داریم . این امر در جنبش کمونیستی قابل فهم و قابل استقبال است . در حقیقت اگر نیروئی از نقاد یا از شد آن برنجدا بد مجددا مورد انتقاد قرار گیرد و نه اینکه موجب شود برخوردی لیبیرالی بجای برخورد سخت کمونیستی بنشیند . عملاً «خوشحانه» ما با چنین تفاهمی روبرو بوده ایم و نباید

ولی این کار کمونیستها نیست . نگاه بی‌مفبره لنینی که جسم مومیاثی شده او را مانند فراموشی مصر باستان در معرفت پرستش فراموش کرده است که هر کمونیستی را احتیاط کند . این امر که جقدر میتوان سقوط کرد ، جواب آن با یوروکراتها و کسانی است که نفهمیده و نسنجیده سنت خودهای حاضر و گذشته‌های سابق را بعنوان نشانه تعزیر و روح میدهند . ما چنین نخواهیم کرد . بگذار عده‌ای بی‌فرهنگ و مذهبی بما خرده بگیرند ، این نزدیری نخواهد پایید .

مسئله دیگر در همین رابطه بزرگداشت و فاع مهم است . ما غالباً «در این موارد مطالبی مختصر نوشته ایم و همین نیوه را ادامه خواهیم داد . بنظر ما در این موارد نیز اگر مطلب تازه‌ای ، تحقیق ، بررسی یا تحلیل جدیدی وجود داشته باشد با بدارائه شود و بکرانه صرف تکرار هزار باره کفیه‌ها و نوشته‌ها - که همه ما نندهم و سال ما ننند سال است - هیچ کوهی را از کسار جنبش کمونیستی نخواهد کشود . نگاه بی‌سرباتی که باین روزها عنایت خاصی دارند نشان میدهد که نوشته‌هایشان بجز تکراری محنوا و فریبده سازیهای بی‌معنا و لغاتی‌های شعارگونه جبری نیست این کار بجز اغلاف وقت نویسنده و خواننده بجز حربه کاری و نشانه حالی کردن از بررسی جدی جبری نیست . اگر منظور یاد آوری و افعدی خاصی است دو کلام کفایت میکند و اگر منظور آموزش است باید نوشته آموزش باشد . محتوا داشته باشد و تکرار مکررات نباشد .

عده‌ای اظهار کرده اند که در شرایطی که جنبش جبهه مور دیورس فرار می‌گیرد برخورد بدسروهای مخلف جبهه و نشان دادن نقاط ضعف آنان به نفع جنبش کمونیستی نیست زیرا این نقاط می‌توانند مورد بهره‌برداری دشمن قرار گیرند . در جواب باین رفتار باید اظهار داشت که مطلقاً «جنبش نیست . یکی از علل اساسی مرید پدیری جنبش جبهه وجود نقاط ضعف آنست و نه اضعاف این نقاط ضعف . اگر به فلان سازمان چه انتقاد می‌نمود که دیدید طبقاتی صحیحی ارائه می‌دهد ، نیروهای ارجاعی نمیتوانند باین سازمان حمله کنند که چرا دید طبقاتی ندارد !